

The Effect of Acceptance and Commitment Therapy on the Sexual Function and Life Satisfaction in Women with Substance Use Disorders

Nasrin Backchalaki¹, *Ahmad Mansouri²

Author Address

1. MA in Clinical Psychology, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran;

2. PhD of General Psychology, Assistant Professor, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

*Corresponding Author Address: Department of Psychology, Faculty of Humanities, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Pajohesh Blvd, Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran.

*Tel: (+98)5142621323

*E-mail: Mansoury_am@yahoo.com

Received: 2017 March 1; Accepted: 2017 March 31

Abstract

Objective: Substance use disorders are serious, common and highly disabling mental disorders in men and women, which can cause substantial distress and impairment in individuals and place an enormous burden on society. Furthermore, they are associated with significant health related consequences including changes in brain circuits, increased depressive disorders, anxiety disorders, sleep disorders, neurocognitive disorders, sexual dysfunction and decreased life satisfaction. Various pharmacological and psychological treatments such as detoxification, methadone maintenance therapy, neurofeedback, analytical psychotherapy, behavioral therapy, cognitive behavioral therapy and rational emotive behavior therapy are used to treat substance use disorders and their health related consequences. Nonetheless, recently, Acceptance and Commitment Therapy has been increasingly gaining momentum among therapists as well as academicians. As a behavioral and cognitive intervention, this therapeutic approach uses acceptance and mindfulness processes as well as commitment and behavior change processes to produce psychological flexibility. Therefore, the aim of present study was to investigate the effect of Acceptance and Commitment Therapy on the sexual function and life satisfaction in women with substance use disorders.

Methods: This is a two-group pretest-posttest quasi-experimental research. The population of the study was all women with substance use disorders in Ghoochan- Iran. Thirty women with substance use disorder were selected through convenience Sampling. The participants (N=30) were assigned to the experimental and control groups in equal numbers. The participants in each group were matched for demographic characteristics with the comparison group. The participants were administered Satisfaction with Life Scale (SWLS; Diener, Emmons, Larsen & Griffin, 1985) and Female Sexual Function Indices (FSFI; Rosen et al., 2000). Following pre-test administration, the experimental group participated in 8 sessions of Acceptance and Commitment Therapy, while the control group did not receive any treatment. The post-test was administered at the conclusion of the treatment. Inclusion criteria were having substance use disorder, non-participation in other treatment programs during the study and informed consent. Exclusion criteria were absenteeism of more than one session, participation in the other psychotherapies and unwillingness to continue cooperating with the research project. Multivariate analysis of covariance was used to analyze the data through SPSS software version 22.

Results: The age average of participants in the experimental and control groups were 39.21 ± 7.41 and 41.66 ± 6.99 years, respectively. There were no significant differences between the two groups in the demographic characteristics, namely, age average, education and employment status. Results of multivariate covariance analysis showed that sexual function ($P < 0.001$) and life satisfaction ($P < 0.001$) average scores in the experimental group increased statistically significantly in comparison to the control group as shown in the scores obtained in the post-treatment test. Also, there were significant improvement in dimensions of sexual function average scores, namely desire ($P < 0.001$), arousal ($P < 0.001$), orgasm ($P < 0.001$), satisfaction ($P < 0.003$) and pain reduction ($P < 0.003$) in the experimental group compared with control group at post-treatment.

Conclusion: It can be concluded that Acceptance and Commitment Therapy is useful for the improvement of sexual function. In addition, it increases life satisfaction in women with substance use disorders. As such, it is suggested that therapists should use this therapeutic approach for improving sexual function and life satisfaction among women with substance use disorder.

Keywords: Acceptance and Commitment Therapy, Life Satisfaction, Sexual Function, Substance Use Disorder.

اثربخشی درمان «پذیرش و تعهد» در رضایت از زندگی و عملکرد جنسی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد

*نسرین بک‌چالاکي^۱، *احمد منصوری^۲

توضیحات نویسندگان

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران؛

۲. دکترای روانشناسی عمومی، استادیار گروه روانشناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

*آدرس نویسنده مسئول: خراسان رضوی، نیشابور، بلوار پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، دانشکده علوم انسانی، گروه روانشناسی.

*تلفن: ۰۵۱-۴۲۶۲۱۳۲۳

*رایانامه: Mansoury_am@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۱ اسفند ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۱ فروردین ۱۳۹۶

چکیده

هدف: اختلال‌های مصرف مواد از اختلال‌های شایع و بسیار ناتوان‌کننده در زنان و مردان است که پیامدهای زیادی، ازجمله کاهش عملکرد جنسی و رضایت از زندگی، را در پی دارد. متخصصان بهداشت روانی برای پیشگیری و درمان این اختلال‌ها درمان‌های دارویی و روان‌شناختی متنوعی مثل سم‌زدایی، درمان نگه‌دارنده با متادون، نوروفیدبک، روان‌تحلیلی، درمان‌های رفتاری، درمان‌های شناختی-رفتاری، درمان‌های حمایتی، درمان‌های عقلانی-هیجانی و رفتاری را به‌صورت فردی یا گروهی استفاده می‌کنند. یکی از درمان‌هایی که می‌تواند در درمان اختلال‌های مصرف مواد و پیامدهای مرتبط با آن‌ها استفاده شود، درمان «پذیرش و تعهد» است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان «پذیرش و تعهد» در عملکرد جنسی و رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد انجام شد.

روش‌بررسی: پژوهش حاضر، مطالعه‌ای آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون برای گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد شهر قوچان بود که تعداد ۳۰ نفر از آن‌ها به‌روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جای‌دهی شدند. گروه‌ها از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی با یکدیگر هم‌تارگدیدند. برای افراد گروه آزمایش، درمان «پذیرش و تعهد» در مداخله ۸ جلسه‌ای انجام شد، درحالی‌که برای گروه کنترل چنین مداخله‌ای صورت نگرفت. شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه «رضایت از زندگی» (۱۹۸۵) و «شاخص عملکرد جنسی» (۲۰۰۰) را تکمیل کردند. داده‌های پژوهش به‌کمک نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و تحلیل کوواریانس چندمتغیره، تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که با حذف اثر نمره‌های پیش‌آزمون، درمان «پذیرش و تعهد» باعث بهبود عملکرد جنسی ($p=0/01$) و ابعاد آن، یعنی میل ($p=0/001$)، برانگیختگی ($p<0/001$)، ارگاسم ($p<0/001$)، رضایت ($p=0/003$) و درد ($p=0/003$) و همچنین افزایش رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد گروه آزمایش درمقایسه با زنان گروه کنترل می‌شود ($p<0/001$).

نتیجه‌گیری: باتوجه‌به یافته‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که درمان «پذیرش و تعهد» روش سودمندی برای بهبود عملکرد جنسی و افزایش رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد و درمانگران می‌توانند از این رویکرد درمانی برای بهبود عملکرد جنسی و رضایت از زندگی مبتلایان به اختلال مصرف مواد استفاده کنند. **کلیدواژه‌ها:** اختلال مصرف مواد، درمان «پذیرش و تعهد»، رضایت از زندگی، عملکرد جنسی.

اختلال‌های مصرف‌مواد از اختلال‌های بسیار شایع، ناتوان‌کننده و با پیامدهای قابل‌توجه در سراسر جهان هستند (۱). ویژگی عمده این اختلال‌ها مجموعه‌ای از علائم شناختی، رفتاری و فیزیولوژیکی است که نشان‌دهنده تداوم مصرف‌مواد به‌رغم مشکلات قابل‌توجه آن است (۲). عوامل متعددی از جمله عدم بازدارندگی رفتاری، تکانش‌گری، نوجویی، سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های مقابله، مشکلات رفتاری، زندگی در یک محیط بی‌ثبات یا توأم با بدرفتاری و مشکلات روان‌شناختی می‌توانند افراد را در معرض خطر مصرف‌مواد قرار دهند (۲/۳). برآورد «دفتر پیش‌گیری از جرم و کنترل مواد سازمان ملل» (۴) نشان می‌دهد که ۲۴۶ میلیون نفر یا یک‌بیستم افراد ۱۵ تا ۶۴ سال از یک‌ماده غیرقانونی در سال ۲۰۱۳ استفاده کرده‌اند. طبق گزارش «مؤسسه ملی استفاده از داروی ایالات متحده آمریکا» (۵) ۱۵/۸ میلیون نفر یا ۱۲/۹ درصد زنان ۱۸ ساله یا بزرگ‌تر، از مواد غیرقانونی در سال ۲۰۱۳ استفاده کرده‌اند. در هر سه دقیقه یک‌زن به علت مصرف یا سوءمصرف داروهای مسکن به بخش اورژانس مراجعه کرده است. ۴/۶ میلیون زن یا ۳/۸ درصد زنان ۱۸ ساله و بزرگ‌تر سوءمصرف داروهای تجویز شده را گزارش کرده‌اند. برآورد شده است که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹، مصرف تنباکو علت ۱۰۱۵ مرگ نوزاد در هر سال بوده است. هرچند زنان دلایل خاصی مثل کنترل وزن، مبارزه با خستگی، مقابله با درد، خوددرمانی و مشکلات بهداشت روان را مطرح می‌کنند، اما اختلال مصرف‌مواد پیامدهای ناخوشایندی را برای زنان (وقوع حملات وحشت‌زدگی، اضطراب، افسردگی، سقط‌جنین غیرعمدی، مرده‌زایی، میگرن، حملات صرع و فشارخون بالا در زنان باردار) و برای فرزندان آن‌ها (وزن پایین نوزاد، نقایص هنگام تولد، اندازه کوچک سر، نارس بودن، سندرم مرگ ناگهانی نوزاد، تأخیر رشدی، مشکلات یادگیری، حافظه و کنترل هیجانی) به‌همراه دارد (۵). درمجموع، اختلال‌های مصرف‌مواد می‌توانند سبب عوارض و پیامدهای جسمانی، رفتاری و روانی، اجتماعی، خانوادگی، شغلی و اقتصادی و تداخل دارویی، و در موارد حاد باعث مرگ شوند (۱،۴،۶).

اختلال‌های مصرف‌مواد با عملکرد جنسی هم مرتبط هستند و می‌توانند عملکرد جنسی را تحت تأثیر قرار دهند (۲،۷،۸،۹،۱۰). اختلال‌های عملکرد جنسی معمولاً با ناراحتی یا ناتوانی بالینی زیاد در پاسخ‌دهی جنسی یا تجربه لذت جنسی مشخص می‌شوند (۲). دلیل و همکاران (۸) دریافتند که علائم کژکاری جنسی در زنان مبتلا به اختلال‌های مرتبط با مواد، شایع است. گروور و همکاران (۱۰) در بررسی مروری خود دریافتند که افراد مبتلا به اختلال مصرف‌هروئین یا افراد تحت‌درمان نکه‌دارنده با متادون و بوپرنورفین نرخ‌های بالاتری از کژکاری جنسی را درمقایسه با جمعیت بهنجار نشان می‌دهند. شایع‌ترین کژکاری‌های جنسی گزارش شده شامل اختلال نعوظی، انزال زودرس و دیررس در مردان و همچنین مقاربت دردناک و خشکی واژن در زنان است. این کژکاری‌ها سبب عدم‌پایبندی به درمان و ناسازگاری جنسی یا زناشویی می‌شوند. تجارب بالینی نیز نشان می‌دهد که یکی از دلایل عمده عدم‌همکاری درمانی و قطع مصرف

متادون و بازگشت مجدد به مصرف‌مواد بروز عوارض مرتبط با اختلال عملکرد جنسی است (۱۰،۱۱).

اختلال‌های مصرف‌مواد، رضایت از زندگی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (۱۲،۱۳،۱۴). بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین اختلال‌های مصرف‌مواد و رضایت از زندگی وجود دارد (۱۲،۱۳،۱۴،۱۵). رضایت از زندگی به ارزیابی شناختی هرفرد از زندگی خود اشاره دارد (۱۶). بوگارت و همکاران (۱۲) با انجام یک‌بررسی طولی دریافتند که مصرف‌مواد در نوجوانان، رضایت از زندگی در دوره بزرگ‌سالی را کاهش می‌دهد. زالینگ و همکاران (۱۳) گزارش کردند که مصرف سیگار، تنباکو، ماری‌جوانا، کوکائین، مصرف منظم الکل، شراب‌خواری، تزریق دارو و استفاده از آستروئیدها با کاهش رضایت از زندگی رابطه دارد. زیربها و همکاران (۱۴) دریافتند که رابطه معکوسی بین رضایت از زندگی و مصرف الکل در بین دانشجویان وجود دارد.

برای پیشگیری و درمان این اختلال‌ها، درمان‌های دارویی و روان‌شناختی متنوعی از جمله سم‌زدایی، درمان نکه‌دارنده با متادون، نوروفیدبک، روان‌تحلیلی، درمان‌های رفتاری، شناختی-رفتاری، حمایتی، عقلانی-هیجانی-رفتاری و همچنین برنامه غنی‌سازی و ارتقای زندگی به‌صورت فردی یا گروهی وجود دارد که متخصصان بهداشت روانی استفاده می‌کنند (۱۷، ۷). یکی از درمان‌هایی که می‌تواند در درمان اختلال‌های مصرف‌مواد استفاده شود، درمان «پذیرش و تعهد» است. درمان «پذیرش و تعهد» یک‌رویکرد مداخله‌ای شناختی-رفتاری است که از فرایندهای پذیرش و ذهن‌آگاهی و فرایندهای تعهد و تغییر رفتار، برای ایجاد انعطاف‌پذیری روان‌شناختی استفاده می‌کند (۱۸). هدف این درمان، تغییر افکار و احساسات رنج‌آور از شکل قدیمی، یعنی نشانه‌های آسیب‌زای ناپهنجاری که مانع زندگی معنادار و غنی می‌شوند، به شکل جدیدتر، یعنی تجارب انسانی طبیعی که بخش‌هایی از یک‌زندگی غنی و معنادار هستند، است (۱۹). پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهند که این مداخله در درمان بسیاری از ویژگی‌های افراد مبتلا به اختلال‌های مصرف‌مواد از جمله افسردگی (۲۰)، ولع مصرف و تنظیم شناختی هیجان (۲۱) موفقیت‌آمیز بوده است.

در بررسی پیشینه پژوهش، مطالعه‌ای درباره اثربخشی درمان «پذیرش و تعهد» در عملکرد جنسی افراد مبتلا به اختلال مصرف‌مواد مشاهده نشد، ولی در مطالعه مارین (۲۲) شواهدی از کاربرد موفقیت‌آمیز درمان «پذیرش و تعهد» در مورد یک‌مرد ۳۰ ساله که مشکلاتی در پذیرش گرایش دوجنس‌گرا و اختلال نعوظ خود داشت، ارائه شده است. همچنین، مطالعه‌ای درباره اثربخشی درمان «پذیرش و تعهد» در رضایت از زندگی افراد مبتلا به اختلال مصرف‌مواد یافت نشد، ولی نتایج مطالعات حاکی از آن است که این درمان در رضایت از زندگی افراد مبتلا به سایر اختلال‌ها مثل درد مزمن (۲۳) و گروهی از بیماران سرپایی دارای سطوح متوسط تا شدید اضطراب و افسردگی (۲۴) مؤثر بوده است. باتوجه به شیوع بالای اختلال مصرف‌مواد در زنان، اهمیت سلامت جسمی و روانی زنان و اثر آن بر افراد مرتبط با آن‌ها، میزان بالای شکست در درمان دارویی و افزایش عود، حتی

باوجود موفقیت اولیه در سم‌زدایی، نیاز مراکز درمانی به برنامه‌های روان‌درمانی جدید برای درمان این اختلال‌ها و پیامدهای ناشی از آن، مثل اختلال عملکرد جنسی و کاهش رضایت از زندگی و همچنین اندک‌بودن پژوهش‌ها در این زمینه، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثربخشی درمان «پذیرش و تعهد» در عملکرد جنسی و رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد بود.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، جزو پژوهش‌های کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها جزو پژوهش‌های آزمایشی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون برای گروه کنترل محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را تمامی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد شهر قوچان تشکیل می‌داد. نمونه بررسی شامل ۳۰ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مرکز ترک اعتیاد «امید» شهر قوچان بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به تصادف در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. یک نفر از افراد گروه آزمایش با توجه به معیارهای خروج، از گروه آزمایش خارج و به دلیل هم‌سازی انجام شده بین دو گروه، یک نفر نیز از گروه کنترل خارج شد. با استفاده از ابزارهای پژوهش از هر دو گروه پیش‌آزمون به عمل آمد؛ سپس درمان «پذیرش و تعهد» در ۸ جلسه ۴۵-۶۰ دقیقه‌ای (هر هفته، یک جلسه) برای گروه آزمایش اجرا شد و برای گروه کنترل هیچ برنامه‌ای اجرا نشد. پس از پایان این مدت برای مقایسه اثر این مداخله از هر دو گروه، پس‌آزمون به عمل آمد و نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر دو گروه با یکدیگر مقایسه شد. معیار ورود برای زنان جامعه آماری، مبتلا به اختلال مصرف مواد، عدم شرکت همزمان در برنامه‌های درمانی دیگر در طول انجام پژوهش و رضایت آگاهانه آن‌ها بود. معیارهای خروج نیز شامل غیبت بیش از یک جلسه در درمان، شرکت همزمان در سایر جلسات روان‌درمانی و عدم تمایل به ادامه همکاری در پژوهش بود. داده‌های پژوهش به کمک نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره تحلیل شدند. برای بررسی متغیرهای پژوهش از مقیاس رضایت از زندگی و شاخص عملکرد جنسی زنان استفاده شد.

مقیاس رضایت از زندگی: ابزاری است ۵ ماده‌ای که دینر و همکاران در سال ۱۹۸۵ ساخته‌اند. در این مقیاس از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که با استفاده از یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) به سؤال‌ها پاسخ دهند. آن‌ها اعتبار آزمون را به‌روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) و بازآزمایی، به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۲ گزارش کردند؛ همچنین دریافتند که این مقیاس از روایی همگرای خوبی برخوردار است (۱۶). دائمی و جوشنلو (۲۵) اعتبار آزمون را به‌روش همسانی درونی و بازآزمایی، به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۹۲ گزارش کردند؛ همچنین نشان دادند که این آزمون از روایی هم‌گرای خوبی برخوردار است.

شاخص عملکرد جنسی زنان: ابزاری است ۱۹ ماده‌ای که روزن و همکاران (۲۶) برای اندازه‌گیری عملکرد جنسی زنان ساخته‌اند. این مقیاس، عملکرد جنسی زنان را در شش حوزه میل جنسی، تهییج جنسی، رطوبت مهبل، اوج لذت جنسی، رضایت‌مندی و درد جنسی می‌سنجد. نمره بیشتر در این شاخص نشانگر عملکرد بهتر جنسی

است. روزن و همکاران اعتبار آزمون را به‌روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای نمره کل آزمون و خرده‌مقیاس‌های آن ۰/۸۹ و بالاتر گزارش کردند. محمدی، حیدری و فقیه‌زاده (۲۷) اعتبار آزمون را به‌روش همسانی برای نمره کل آزمون و خرده‌مقیاس‌های آن ۰/۷۰ و بالاتر گزارش کردند. آن‌ها همچنین گزارش کردند که این آزمون از روایی افتراقی مناسبی برخوردار است.

درمان «پذیرش و تعهد»: جلسات درمانی «پذیرش و تعهد» براساس کتاب «پذیرش و تعهد» هیز، استروسال و ویلسون (۲۸) به شرح زیر تدوین و اجرا شد:

— جلسه اول: خوش‌آمدگویی و آشنایی اعضای گروه با درمانگر و یکدیگر، ایجاد ارتباط با اعضای گروه، شرح اهداف و قوانین گروه (عدم غیبت، شرکت به موقع در جلسات، انجام تکالیف، بیان اصل رازداری و احترام متقابل اعضای گروه به یکدیگر، آموزش روانی و توصیف کلی از رویکرد درمانی)؛

— جلسه دوم: ایجاد بیش در اعضا درباره مشکل و به چالش کشیدن کنترل، معرفی تمایل به عنوان پاسخی دیگر. بحث درباره تجربیات و ارزیابی آن‌ها، شناسایی موانع در زندگی یا محل کار خود و ایجاد ناامیدی خلافتانه؛

— جلسه سوم: بررسی تکلیف و مرور جلسه قبل، معرفی و کاربرد تکنیک‌های گسلش شناختی، مداخله در عملکرد زنجیره‌های مشکل‌ساز زبان؛

— جلسه چهارم: بررسی تکلیف و مرور جلسه قبل، کاربرد تکنیک‌های ذهن‌آگاهی، الگوسازی خروج از ذهن، آموزش دیدن تجربیات درونی به عنوان یک فرآیند؛

— جلسه پنجم: بررسی تکلیف و مرور جلسه قبل، مشاهده خود به عنوان زمینه، تضعیف خود مفهومی و بیان خود به عنوان مشاهده‌گر؛ - جلسه ششم: بررسی تکلیف و مرور جلسه قبل، معرفی مفهوم ارزش و شناسایی ارزش‌های زندگی اعضا و سنجش ارزش‌ها بر مبنای میزان اهمیت آن‌ها؛

— جلسه هفتم: بررسی تکلیف و مرور جلسه قبل، ارائه راهکارهای عملی برای رفع موانع ارزش‌ها، درک ماهیت تمایل و تعهد، تعیین الگوهای عمل متناسب با ارزش‌ها؛

- جلسه هشتم: جمع‌بندی مفاهیم بررسی شده طی جلسات، درخواست اعضا برای توضیح دستاوردهای‌شان از گروه.

۳ یافته‌ها

میانگین سنی شرکت‌کنندگان گروه آزمایش و گروه کنترل به ترتیب 41.39 ± 7.21 و 41.66 ± 6.99 بود. به علاوه، تفاوت معناداری بین میانگین سنی دو گروه وجود نداشت. بین میزان تحصیلات دو گروه آزمایش (به ترتیب ۳، ۵، ۲، ۱ نفر ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، فوق‌دیپلم و کارشناسی) و گروه کنترل (به ترتیب ۲، ۴، ۵ و ۳ نفر ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، فوق‌دیپلم) تفاوت معنادار وجود نداشت؛ همچنین بین وضعیت شغلی گروه آزمایش (۴ نفر شاغل، ۱۰ نفر بیکار) و گروه کنترل (۵ نفر شاغل، ۹ نفر بیکار) نیز تفاوت معنادار وجود نداشت.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش و باهدف حذف اثر پیش‌آزمون،

از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد. ابتدا برای بررسی پیش فرض‌های نرمال بودن توزیع داده‌ها، همگنی واریانس و همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس متغیرها از آزمون «شاپیرو-ویلک»، آزمون «لون» و آزمون «باکس» استفاده شد. نتایج آزمون «شاپیرو-ویلک» نشان داد که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال هستند. همچنین نتایج آزمون «لون» نشان داد که واریانس همه متغیرهای پژوهش بین دوگروه برابر است و با یکدیگر تفاوت معنادار ندارند. علاوه بر این، نتایج آزمون «باکس» درباره عملکرد جنسی و رضایت از زندگی ($\text{BOX'S } M = 1/68, = F_{0/51}, p > 0/05$) و همچنین ابعاد عملکرد جنسی ($\text{BOX'S } M = 23/62, = F_{0/85}, p > 0/05$) نشان داد که پیش فرض همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس برقرار است. برای

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری مربوط به متغیرهای رضایت از زندگی، عملکرد جنسی و ابعاد عملکرد جنسی.

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		نتایج مقایسه پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p
رضایت از زندگی	آزمایش	۱۱/۹۲	۴/۳۰	۱۴/۵۰	۳/۱۵	۳۴/۶۵	< ۰/۰۰۱
	کنترل	۱۰/۲۰	۲/۸۰	۱۰/۰۶	۲/۷۳		
نمره کل عملکرد جنسی	آزمایش	۱۳/۰۷	۱/۶۸	۱۶/۶۳	۱/۴۰	۶۷/۳۰	< ۰/۰۰۱
	کنترل	۱۳/۳۵	۱/۵۹	۱۲/۸۵	۱/۸۰		
میل جنسی	آزمایش	۲/۴۴	۰/۷۹	۳/۲۶	۰/۷۷	۱۷/۳۱	< ۰/۰۰۱
	کنترل	۲/۶۰	۰/۷۷	۲/۴۰	۰/۸۱		
برانگیختگی	آزمایش	۲/۱۴	۰/۴۶	۳/۱۰	۰/۵۳	۲۸/۵۷	< ۰/۰۰۱
	کنترل	۲/۰۶	۰/۳۹	۲/۰۴	۰/۴۸		
رطوبت	آزمایش	۲/۸۷	۰/۳۲	۳/۱۷	۰/۵۱	۳/۲۹	۰/۰۸۴
	کنترل	۲/۵۹	۰/۵۳	۲/۵۶	۰/۶۱		
ارگاسم	آزمایش	۱/۵۶	۰/۳۴	۱/۸۳	۰/۳۹	۱۴/۲۲	< ۰/۰۰۱
	کنترل	۱/۵۰	۰/۳۴	۱/۴۲	۰/۲۷		
رضایت جنسی	آزمایش	۲/۰۲	۰/۵۷	۲/۶۲	۰/۶۶	۱۱/۴۹	۰/۰۰۳
	کنترل	۲/۱۹	۰/۵۶	۲/۰۶	۰/۴۷		
درد جنسی	آزمایش	۲/۱۴	۰/۷۷	۲/۸۹	۰/۶۱	۱۱/۳۲	۰/۰۰۳
	کنترل	۲/۴۰	۰/۶۷	۲/۳۷	۰/۶۱		

عملکرد جنسی و رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که درمان «پذیرش و تعهد» اثر معناداری بر بهبود عملکرد جنسی و افزایش رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، پس از انجام مداخله‌های درمانی با رویکرد «پذیرش و تعهد»، تغییر معناداری در رضایت از زندگی و عملکرد جنسی خود (به عنوان یکی از عوامل مرتبط با نارضایتی از زندگی) داشته‌اند. نمره عملکرد جنسی و رضایت از زندگی افرادی که در گروه آزمایش قرار داشتند در مقایسه با آن‌هایی که در گروه کنترل جایگزین شده بودند، افزایش معناداری داشته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که درمان «پذیرش و تعهد» منجر به بهبود

نتایج مقایسه پس‌آزمون‌های دوگروه نشان داد که تفاوت معناداری بین دوگروه در رضایت از زندگی ($p < 0/001$)، عملکرد جنسی ($p < 0/001$) و ابعاد عملکرد جنسی، یعنی میل جنسی ($p < 0/001$)، انگیختگی ($p < 0/001$)، ارگاسم ($p < 0/001$)، رضایت جنسی ($p = 0/003$) و درد جنسی ($p = 0/003$) وجود دارد و میانگین نمره‌های گروه آزمایش در این ابعاد به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل بود. با این وجود، تفاوت معناداری بین دوگروه آزمایش و کنترل در بُعد رطوبت وجود نداشت ($p = 0/084$).

۴ بحث

پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی درمان «پذیرش و تعهد» در

عملکرد جنسی و افزایش رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد می‌شود.

پژوهشی همسو یا ناهمسو با یافته‌های این پژوهش مشاهده نشد، اما نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های مطالعات قبلی درباره انواع دیگر درمان‌های موج سوم (مداخلات مبتنی بر ذهن‌آگاهی) نشان داد که درمان «پذیرش و تعهد» اثر معناداری در افزایش رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد دارد (۷، ۲۹)؛ برای مثال، قادری نجف‌آبادی و همکاران (۲۹) با بررسی اثربخشی آموزش تکنیک‌های ذهن‌آگاهی در رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد تحت‌توان‌بخشی دریافتند که ذهن‌آگاهی سبب افزایش رضایت از زندگی زنان مبتلا می‌شود. شهرستانی‌گیسور (۷) نیز در بررسی خود نشان داد که مداخلات مبتنی بر ذهن‌آگاهی در افزایش رضایت از زندگی زنان و مردان مبتلا به اختلال مصرف مواد تحت‌درمان «نگه‌دارنده با متادون» مؤثر است. از سوی دیگر، نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های مارین (۲۲) است که نشان داد درمان «پذیرش و تعهد» اثر معناداری در عملکرد جنسی دارد. مارین (۲۲) با انجام یک مطالعه موردی درباره یک‌مرد ۳۰ ساله دارای مشکل پذیرش‌گرایی دوجنس‌گرا و اختلال نعوظ، شواهدی از کاربرد موفقیت‌آمیز «درمان پذیرش و تعهد» ارائه کرد. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت هدف اصلی درمان «پذیرش و تعهد» انعطاف‌پذیری روان‌شناختی است (۳۰). از این‌رو، در درمان «پذیرش و تعهد» از فرایندهای پذیرش و ذهن‌آگاهی و فرایندهای تعهد و تغییر رفتار برای ایجاد انعطاف‌پذیری روان‌شناختی افراد استفاده می‌شود (۱۸). درکل، تمام اصول و فرایندهای موجود در این درمان منجر به کاهش تلاش در زمینه اجتناب از افکار و موقعیت‌های مرتبط با اختلال مصرف مواد و پیامدهای ناشی از آن، از جمله عملکرد جنسی، کاهش الگوهای توجه مشکل‌زا به منظور کاهش خطاهای شناختی (نشخوار فکری و فاجعه‌آمیزسازی، افزایش پذیرش افکار، احساس‌ها و حس‌های بدنی مرتبط با اختلال و کژکاری‌های مرتبط)، شناسایی، بازنگری، ایجاد و

هدایت افراد به سمت اهداف و ارزش‌های زندگی و همچنین افزایش تعهد و عمل به اهداف هماهنگ با ارزش‌های انتخابی‌شان می‌شود؛ عواملی که سبب افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی افراد مبتلا و در نتیجه بهبود اختلال مصرف مواد، بهبود عملکرد جنسی و افزایش رضایت از زندگی می‌شوند.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که درمان «پذیرش و تعهد» تأثیر معناداری در بهبود عملکرد جنسی و همچنین افزایش رضایت از زندگی زنان مبتلا به اختلال مصرف مواد دارد و درمان‌گران می‌توانند نقش و اثر این شیوه درمانی را در بهبود عملکرد جنسی و رضایت از زندگی این زنان در نظر بگیرند.

References

1. Grant S, Kandrack R, Motala A, Shanman R, Booth M, Miles J, et al. Acupuncture for substance use disorders: A systematic review and meta-analysis. *Drug & Alcohol Dependence*. 2016; 163:1–15. [[Link](#)]
2. Association AP, others. Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5®). American Psychiatric Pub; 2013. [[Link](#)]
3. Davoudi I, Eshtrati T, Zargar Y, Hashemi sheikh shabani E. A study of structural relations of some psychological risk and protective factors of addiction potential. *Clinical Psychology & Personality*. 2014 Sep 15; 2 (10): 99–116. [Persian] [[Link](#)]
4. United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention. World drug report 2015. New York: United Nations publication; 2015. [[Link](#)]
5. Abuse NI on D. Substance Use in Women. 2015. [[Link](#)]
6. Shahrestani Gisuor A. The effectiveness of mindfulness-based interventions on the decreasing stress and on improvement of therapeutic indicates of addiction in addicts under Methadone Maintenance Treatment (MMT). [MA Thesis]. [Kerman]: Islamic Azad University of Kerman; 2015. [Persian]
7. Bang-Ping J. Sexual Dysfunction in Men Who Abuse Illicit Drugs: A Preliminary Report. *The Journal of Sexual Medicine*. 6 (4): 1072–1080. [[Link](#)]
8. Diehl A, da Silva RL, Laranjeira R. Female sexual dysfunction in patients with substance-related disorders. *Clinics (Sao Paulo)*. 2013; 68 (2): 205–211. [[Link](#)]
9. Kopetz CE, Reynolds EK, Hart CL, Kruglanski AW, Lejuez CW. Social context and perceived effects of drugs on sexual behavior among individuals who use both heroin and cocaine. *Exp Clin Psychopharmacol*. 2010; 18 (3): 214–220. [[Link](#)]
10. Grover S, Mattoo SK, Pendharkar S, Kandappan V. Sexual Dysfunction in Patients with Alcohol and Opioid Dependence. *Indian J Psychol Med*. 2014; 36 (4): 355–365. [[Link](#)]
11. Bliesener N, Albrecht S, Schwager A, Weckbecker K, Lichtermann D, Klingmüller D. Plasma testosterone and sexual function in men receiving buprenorphine maintenance for opioid dependence. *J Clin Endocrinol Metab*. 2005; 90 (1): 203–206. [[Link](#)]
12. Kheirabadi GR, Salehi M, Golafshan N, Maracy MR. Sexual Dysfunction of Men on Methadone Maintenance Treatment MMT and Its Relation with Methadone Dose and Blood Level of Testosterone and Prolactine. *Medical Journal of Tabriz University of Medical Sciences and Health Services*. 2012; 34 (12). [Persian] [[Link](#)]
13. Bogart LM, Collins RL, Ellickson PL, Klein DJ. Are Adolescent Substance Users Less Satisfied with Life as Young Adults and if so, Why? *Soc Indic Res*. 2007; 81 (1): 149–169. [[Link](#)]
14. Zullig KJ, Valois RF, Huebner ES, Oeltmann JE, Drane JW. Relationship between perceived life satisfaction and adolescents' substance abuse. *Journal of Adolescent Health*. 2001; 29 (4): 279–288. [[Link](#)]
15. Zerihun N, Birhanu Z, Kebede Y. Does life satisfaction correlate with risky behaviors? Finding from Ethiopian higher education students. *GJASR* 2014; 1: 1-12. [[Link](#)]
16. Pavot W, Diener E. The Satisfaction With Life Scale and the emerging construct of life satisfaction. *The Journal of Positive Psychology*. 2008; 3 (2): 137–152. [[Link](#)]
17. Kazemeini T, Abdekhodaei MS. Studying the effectiveness of Group Therapy Based Life Enrichment and Enhancement Program on improvement of Therapeutic Indicators of Addiction in Dependent Men to Opiate. *Advances in Nursing & Midwifery*. 2014; 23 (82). [[Link](#)]
18. Hayes SC, Levin ME, Plumb-Villardaga J, Villatte JL, Pistorello J. Acceptance and Commitment Therapy and Contextual Behavioral Science: Examining the Progress of a Distinctive Model of Behavioral and Cognitive Therapy. *Behav Ther*. 2013; 44 (2): 180–198. [[Link](#)]
19. Hayes SC, Strosahl KD. A practical guide to acceptance and commitment therapy. Springer Science & Business Media; 2004. [[Link](#)]
20. Rezaei Mirghaed M, Karimi R, Rahravi M, Mosaddegh K. Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy on reduce co-morbid depression in drug-dependent peoples. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*. 2016; 6. [Persian] [[Link](#)]
21. Kiani A, Ghasemi N, Pourabbas A. The Comparison of the Efficacy of Group Psychotherapy Based on Acceptance and Commitment Therapy, and Mindfulness on Craving and Cognitive Emotion Regulation in Methamphetamine Addicts. *research on addiction*. 2013; 6 (24): 27–36. [Persian] [[Link](#)]
22. Marín FM. Orientación del deseo sexual y trastornos de la erección: un estudio de caso. *Análisis y modificación de conducta*. 2003; 29 (124): 291–320. [[Link](#)]
23. Johnston M, Foster M, Shennan J, Starkey NJ, Johnson A. The effectiveness of an Acceptance and Commitment Therapy self-help intervention for chronic pain. *Clin J Pain*. 2010; 26 (5): 393–402. [[Link](#)]
24. Forman EM, Herbert JD, Moitra E, Yeomans PD, Geller PA. A randomized controlled effectiveness trial of acceptance and commitment therapy and cognitive therapy for anxiety and depression. *Behav Modif*. 2007; 31 (6): 772–799. [[Link](#)]
25. Daemi F, Joshanloo M. Surveying Validity and Reliability of Satisfaction with Life Scale in Students. *Clinical*

- Phsychology & Personality. 2015; 2 (11): 135–144. [[Link](#)]
26. Rosen R, Brown C, Heiman J, Leiblum S, Meston C, Shabsigh R, et al. The Female Sexual Function Index (FSFI): a multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *J Sex Marital Ther.* 2000; 26 (2): 191–208. [[Link](#)]
 27. Mohammadi Kh, Heydari M, Faghihzadeh S. The Female Sexual Function Index (FSFI): Validation of the Iranian version. *Payesh* 2008; 7 (3): 269-278. [Persian]. [[Link](#)]
 28. Hayes SC, Strosahl KD, Wilson KG. Acceptance and commitment therapy: An experiential approach to behavior change. Guilford Press; 1999. [[Link](#)]
 29. Ghaderi-Najafabadi M, Soleimani-Najafabadi R, Moradi-Soroush M, Habibollahi S. The effectiveness of mindfulness techniques training on life orientation, life satisfaction, and acceptance and action in addicted women undergoing rehabilitation. *J Res Behav Sci* 2016; 1 (14): 41-49. [Persian]. [[Link](#)]
 30. Hayes SC, Pistorello J, Levin ME. Acceptance and Commitment Therapy as a Unified Model of Behavior Change. *The Counseling Psychologist.* 2012; 40 (7): 976–1002. [[Link](#)]